

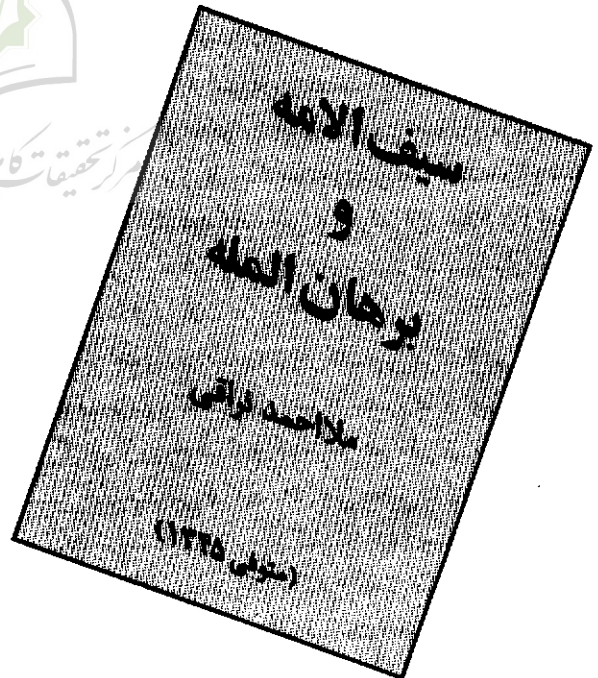
سیری در کتاب

سیف الامه و برهان المله

محمّدجواد سلمانپور

مقدمه

مرحوم ملا احمد نراقی در سال ۱۲۳۳ هجری قمری کتابی تحت عنوان **سیف الامه و برهان المله**^۱ در دفاع از کیان اسلام، قرآن و رسالت نبی اکرم (ص) و دفع شبهات پادری نصرانی به نام هنری مارتین تحریر نموده است. بنا به گزارش **الذریعه**^۲، نراقی کتاب مزبور را به امر پدرش ملامهدی نراقی و براساس فقراتی از خود کتاب، به دنبال تمایل فتحعلی شاه و اشاره و لیعهد او عباس میرزا نوشته است. ^۳ کتاب مزبور صرفاً به دفع شبهات پادری نصرانی نپرداخته است، بلکه در آن مباحث کلامی عمیق و دقیقی پیرامون نبوت عامه و خاصه به خصوص درباره برخی از موضوعات علوم قرآنی نیز مطرح شده که در جای خود برای اهل تحقیق منبع ارزشمندی به حساب می آید. این کتاب به روشنی برپاره ای از ویژگی های ملا احمد نراقی دلالت دارد که درخور توجه و تحقیق می باشد. زمینه نگارش کتاب و نوع برخورد نراقی با تهاجم



سیف الامه و برهان المله، ملا احمد نراقی (متوفی ۱۳۴۵ ق)

۱. نسخه ای از سیف الامه که در این تحقیق مورد بررسی و تحقیق قرار گرفته است، چاپ سنگی است. تاریخ تحریر آن ۱۲۶۷ ق به خط علی ابن عباس قزوینی است. تاریخ طبع آن معلوم نمی باشد. تعداد صفحات آن ۳۲۲ برگ است که کتاب سیف الامه از صفحه ۳۸ آن شروع می شود. این نسخه به شماره ۵۱۶۵ در کتابخانه مرحوم آیه الله مجتهدالدین محلاتی در شیراز نگهداری می شود.

۲. آقابزرگ، ج ۱۲، ص ۲۸۶.

۳. سیف الامه، ص ۴۰.

۳. برجستگی کلامی

از جمله ویژگی دیگر ملا احمد که در سراسر کتاب نمایان است، چهره برجسته کلامی و تفسیری ایشان می باشد. چهره کلامی ملا احمد نسبت به شخصیت فقهی و اصولی ایشان و با توجه به شخصیت بارز کلامی ملامهدی پدر وی،^۵ کم رنگ به حساب آمده و کم تر سخنی در این باب درباره ایشان نوشته شده است.^۶ لکن کتاب سیف الامه به تنهایی، مهارت و دقت ایشان را در الهیات و کلام و حکمت و نیز تفسیر نشان می دهد.

۴. گفتگو با دانشمندان سایر مذاهب

نکته برجسته ای که از این کتاب درباره احوال شخصی ملا احمد به دست می آید روحیه گفتگو و مراوده با دانشمندان سایر ادیان و مذاهب در زمان خود می باشد. ایشان در چندین جای کتاب از تشکیل حلقه و محافل گفتگوی عالمانه با دانشمندان یهود و نصاری سخن به میان می آورد.^۷ والد ماجد ایشان ملامهدی نراقی نیز از این ویژگی برخوردار بوده است. در این خصوص نراقی می گوید: «والد ماجد فرموده اند که من در باب این عبارت با علمای یهود بسیار گفتگو کردم و...»^۸. در جای دیگر می فرماید: «والد ماجد حقیر در این باسوق با بعضی از علمای یهود مباحثه کردند.» سپس آن مباحثه و گفتگو را عیناً نقل می کند.^۹ این ویژگی از این جهت مهم و برجسته می باشد که امروزه گفتگو بین ادیان و مذاهب رونق فراوان یافته و بین اکثر دانشمندان ادیان و مذاهب فارغ از تعصب و تحجر، امری مبارک تلقی شده و روبرو به فزونی است. می توان ریشه این حرکت مبارک را در اقدام عالمانه و حکیمانه دانشمندان شیعی، مانند ملا احمد نراقی و ملامهدی جستجو نمود که در آن زمان در نوع خود بدیع و بسیار حکیمانه بوده است.

۵. همکاری علمی- پژوهشی با دانشمندان سایر ادیان

همکاری صمیمانه علمی در پژوهش و تحقیق با دانشمندان یهود و نصاری، توسط ملا احمد از خصوصیات عالمانه دیگر این فرزانه است که این کتاب بدان استشعار دارد. مرحوم نراقی در جایی از کتاب می فرماید: «حقیر در حین تألیف این کتاب در صدد تفحص و تحصیل آن صحیفه برآمده و در کتابخانه ملاموشه

فرهنگی غرب به خصوص انگلیس در قالب تبلیغ مسیحیت و تاختن به اسلام و رسول اکرم (ص) در آن زمان، ما را به عمق تهاجم فرهنگی غرب به ممالک اسلامی و دیرینه آن رهنمون می کند و راهی در مبارزه با آن فراروی ما می گذارد. به راستی می توان کتاب آیات شیطانی سلمان رشدی را ادامه همان رديه نویسی پادریان در سده دوازده و سیزده ارزیابی نمود. آنچه قابل توجه می باشد این است که مقابله برخی از علما در دو قرن تهاجم مستقیم غرب به اسلام و رسول اکرم (ص) در دوران صفوی و قاجار صرفاً حالت تدافعی نداشته، بلکه به صورت تهاجم متقابل فرهنگی نیز بوده است که دسیسه گران انگلیس را مجبور به عقب نشینی و قطع رديه نویسی علیه اسلام کرده است. سیف الامه را باید نمونه بارز یکی از این نوع مقابله ها تلقی نمود. تحقیق این مقاله، ابتدا تمامی کتاب سیف الامه به دقت مطالعه شد و بار دوم بر اساس منابع پیرامونی که زمینه های نگارش سیف الامه را به دست می داد و نیز مقایسه با سایر کتب کلامی و دیگر نوشته های نراقی، آن کتاب مورد تحقیق و مطالعه مجدد قرار گرفت و نتایج آن بررسی، در سه قسمت، تحت عنوان ویژگی های ملا احمد نراقی، ویژگی های سیف الامه و سیر مختصری در محتوای آن همراه با اشاره به برخی از آرای بدیع فاضل نراقی ارائه شده است.

الف. ویژگی های ملا احمد نراقی بر اساس سیف الامه

بررسی سبک و محتوای کتاب ما را به برخی از ویژگی های آن دانشمند رهنمون می کند:

۱. غیرت دینی

غیرت دینی و روحیه دفاع از دین در عین رعایت عدل و انصاف نراقی مهم ترین ویژگی است که در سراسر کتاب قابل درک بوده و یادآور حدیث شریف اذا ظهر البدع... است.^۴

۲. زمان شناسی

کتاب نشان می دهد که نراقی عالم به زمانه بوده و از فضای حاکم فرهنگی، اطلاع و آگاهی کامل داشته و خود را در مقابل سوالات و شبهات و شبهه افکنی ها مسئول می دانسته است و هرگز در مقابل هجمه فرهنگی غربی ها به دین و فرهنگ اسلام - در حالی که هجمه نظامی نیز در جریان بوده - ساکت ننشسته و با تیغ قلم به مقابله پرداخته است. کتاب از این جهت یادآور روحیه امام خمینی در نگارش کشف الاسرار است.

۴. کلینی، ج ۱، ص ۷۰.

۵. خیابانی، ج ۴، ص ۱۸۶.

۶. خوانساری، ج ۱، ص ۱۰۳، ۱۴۱۱؛ امین، ج ۳، ص ۱۸۴.

۷. سیف الامه، ص ۸۹، ۱۰۱، ۱۱۳ و ۱۳۶.

۸. همان، ص ۸۹.

۹. همان، ص ۹۰.

یهودی که در این عصر در میان یهود در حالت اشتها و مرجع اکثر بود، آن را یافتیم و به اتفاق جمعی از علمای یهود کتب معتبر عبری را جمع آوری نموده و در آن تأمل شد...^{۱۰}

۶. وسعت و کثرت تتبع

وسعت و کثرت تتبع در یک موضوع از دیگر ویژگی‌های فاضل نراقی است که از جاهای مختلف کتاب سیف‌الامه می‌توان دریافت.^{۱۱} ایشان برای اثبات ذکر نام پیامبر (ص) در کتب انبیای گذشته، قریب ۲۰ کتاب از انبیای سلف را با زبان اصلی مورد تتبع و بررسی قرار داده است. می‌فرماید: «... ما زیاده از بیست کتاب که از کتب انبیای سلف که اکثر آن‌ها را خود ملاحظه کرده‌ایم و با علمای یهود در تفسیر و تصحیح آن‌ها شب به روز آورده‌ایم و در استخراج معانی آن‌ها به کتب آن‌ها رجوع کرده‌ایم و اسم سامی و اوصاف آن جناب را بیان نمودیم.»^{۱۲}

در عین حال در سی و دومین مورد که از تورات در ذکر نام پیامبر و ائمه هدی آورده، یادآوری می‌کند «... و تتمه فقرات این وحی تا حال خبری از آن معلوم حقیر نشده و وقت اقتضای زیاده از این تتبع از آن نمی‌کرد. امید هست که بعد از این ان شاء الله تبعی کرده شود»^{۱۳}. جالب است بدانیم که کثرت تتبع و کاوش فاضل نراقی در تاریخ عیسی و موسی (ع) به حدی است که خود پادریان که در آن عصر به شدت مشغول نوشتن ردیه بر اسلام بودند، برخی از منابع مورد کاوش نراقی را ندیده و نخوانده بوده‌اند.^{۱۴}

۷. احاطه بر منابع غربی‌ها

احاطه و تسلط بر آثار علمی غربی‌ها از دیگر ویژگی علمی آن جناب بوده است. وی در بیان یک موضوع جغرافیایی می‌فرماید: «و اگر نه خوف تطویل بود حکایت فرنگیان را در این خصوص نقل می‌کردم و لیکن کلام بسیار طول کشیده است. ان شاء الله بعد از اتمام کتاب شاید جزوی در آخر متضمن این حکایات نقل نماییم و ملحق سازیم.»^{۱۵} متأسفانه چنین فصلی ملحق نشده است.

۸. سبک تحقیقی عالمانه

سبک عالمانه نراقی در تتبع و تحقیق تاریخی و تفسیر کتب آسمانی در این کتاب قابل توجه و ملاحظه است و در نوع خود بدیع بوده و می‌تواند باب مفصلی در سبک شناسی پژوهش متون کهن و تاریخی مورد تحقیق و الگوبرداری قرار گیرد. ایشان در جایی از کتاب بعد از تعریض به روش برخی دانشمندان در تتبع تاریخی متون آسمانی می‌فرماید: «علاوه بر استخراج آن عبارات

از اصل کتب ایشان اتم در اطمینان و اوجب در اتفاق ایشان بود، حقیر همه آن کتب را جمع نموده و کتب لغت معتبره ایشان را نیز جمع و جمعی از احبار اهل ذمه را نیز احضار و در تصحیح و تفسیر آن‌ها با ایشان گفتگو نموده آنچه بر آن اتفاق نموده به ضمیمه آنچه از اناجیل اربعه و سایر کتب نصاری استخراج کردیم، در این کتب ثبت نمودیم...»^{۱۶}

۹. تسلط به زبان عبری

از ویژگی‌های مهم نراقین تسلط آن دو فرزانه بر زبان عبری می‌باشد. مرحوم ملااحمد نراقی در فقراتی از کتاب عین عبارات عبری را نقل و ترجمه می‌نماید و سپس به تفسیر آن عبارات می‌پردازد. در چند جای کتاب از تسلط والد ماجد خود بر زبان عبری سخن به میان می‌آورد.^{۱۷} گفتنی است که در اکثر کتب تراجم به تسلط مرحوم ملامهدی نراقی به زبان عبری و لاتین تصریح شده است؛ اما به مهارت ملااحمد در این دو زبان کم‌تر اشاره شده است.^{۱۸}

۱۰. سود جستن از منابع خارجی

مرحوم نراقین به علت تسلط بر زبان عبری و لاتین از اولین دانشمندان ایرانی هستند که در پاره‌ای از مباحث و تحقیقات و تألیف خود در علوم ریاضی و مباحث کلامی به تحقیقات علمای فرنگ استناد نموده و از آرای آنان سود جست و به آن‌ها اشاره و تصریح می‌کنند.^{۱۹} این کتاب در برخی از مواضع گویای این حرکت علمی است که در سده اخیر رواج کلی یافته و نشانه عمق پژوهش‌های علمی و بروز بودن آن‌ها به حساب می‌آید.

۱۱. صفا و پاکی باطن ملااحمد

برخی از مواضع کتاب به روشنی بر صفا و پاکی باطنی و شهود باطنی ملااحمد نراقی حکایت می‌کند که در جای خود قابل ملاحظه می‌باشد.

۱۰. همان، ص ۱۱۳.

۱۱. همان، ص ۸۸، ۱۱۳، ۱۱۷، ۲۰۸ و ۱۹۷.

۱۲. همان، ص ۲۳۵.

۱۳. همان، ص ۱۲۷.

۱۴. همان، ص ۱۵۳.

۱۵. همان، ص ۱۳۴.

۱۶. همان، ص ۸۸.

۱۷. همان، ص ۹۰ و ۸۸.

۱۸. نراقی، ص ۱۳: ۱۳۹۸.

۱۹. همان، ص ۹.

۱۲. نوآوری و ابتکارات

کتاب مشتمل بر پاره‌ای از آرای بدیع و نوآوری‌های ملاحمد نراقی در مباحث کلامی و تفسیری در موضوع نبوت عامه و خاصه می‌باشد. گاهی خود مرحوم به ابتکاری بودن رأی یا بحث اشاره می‌کند. وی در موضعی از کتاب می‌نویسد: «این دلیل و تقریر آن با الهام از پروردگار بود».^{۲۰} ایشان در تعریف معجزه و حقیقت آن بحثی جدید دارند و در فرق بین معجزه و کرامت و سحره شرایط جدید برای اعجاز ابراز داشته که قبل از وی در کم‌تر کتب کلامی به چشم می‌خورد. وی دلیل «لطف» را مورد مناقشه قرار داده، آن را آن‌گونه که دانشمندان کلامی تحریر نموده‌اند، نمی‌پسندد. ما در خلال مباحث آتی به پاره‌ای دیگر از آرای بدیع نراقی اشاره خواهیم کرد.

ب. ریشه‌های نگارش سیف‌الامه

۱. جلالت ملاحمد نزد شاه قاجار

زمان نگارش کتاب، دوران حکومت فتحعلی شاه قاجار است. در این دوران پادشاه در صدد جلب محبت روحانیون و اثبات دینداری خود بود. وی احترام عظیمی به روحانیون می‌گذاشت و از همان آغاز حکومت با تزیین و تغییر حرم‌ها، ساختن مساجد، اختصاص مبالغی پول و هدایا به علما، گماردن شیخ الاسلام‌ها و ائمه جمعه و ترغیب علما به سکونت در نقاط مختلف کشور، هرچه بیش‌تر خود را به آنان نزدیک می‌کرد. لذا بار دیگر شاهد گسترش نفوذ و مداخله بسیاری از علمای مهم در زندگی عمومی و دخالت در برخی از امور و حکومت می‌باشیم.^{۲۱} کتاب‌های مذهبی اغلب با سفارش شاه نوشته یا به او پیشکش می‌شد و یا به نام او به ثبت درمی‌آمد. کتاب سیف‌الامه نیز از همین خصوصیت برخوردار است. ملاحمد آن را با القاب، توصیف و تمجید فراوان به نام فتحعلی شاه می‌نویسد. البته قضاوت در این باره که این عمل نقطه ضعفی برای ملاحمد باید به حساب آورد یا نقطه قوت، نیاز به یک تحلیل عمیق از مباحث گسترده تاریخی و شرایط حاکم بر آن زمان دارد.

به نظر می‌رسد این امر نه تنها نقطه ضعفی محسوب نمی‌شود، بلکه بنا به دلایل چندی می‌توان آن را حکایت از زیرکی و کیاست ملاحمد تلقی نمود. زیرا این اقدام نراقی موجب تشویق هرچه بیش‌تر پادشاه در مقابله با تهاجم فرهنگی پادریان و مبلغان مسیحی می‌گردید و ثانیاً پشتیبانی از شاه در آن موقعیت می‌توانست روحیه پادشاه را در مقابله تهاجم نظامی روس و انگلیس تقویت نماید و ثالثاً موجب تحریض و تشویق سلطان به نزدیکی هرچه بیش‌تر با علما می‌شد. علاوه بر نکات فوق سه

نکته، حائز اهمیت است:

اول. اینکه پر واضح است حکومتی که واقعاً استبدادی است با این رفتار، دچار وضعیتی متناقض می‌شود که گاه گاهی این تناقض آشکار گردیده است.

دوم. ملاحمد نراقی از جمله مجتهدان بزرگ آن روزگار به حساب می‌آمد و شاه برای وی منزلتی عظیم قائل بود. در این خصوص **ناسخ التواریخ** در قضیه حکم جهاد علیه متجاوزین روسی می‌نویسد:

... روز شنبه هیجدهم جناب حاجی ملاحمد نراقی کاشانی که از تمامت علمای اثناعشریه فضیلتش بر زیادت بود، به اتفاق حاجی ملا عبدالوهاب قزوینی و جماعتی دیگر از علما و حاجی ملامحمد پسر ملاحمد که او نیز قدوة مجتهدین بود، از راه رسید. تمامت شاهزادگان و قاطبه امرا و اعیان نیز به استقبال بیرون شتافتند و جنابش را با تکبیر و تهلیل و مکانت در محلی جلیل فرود آوردند و این جمله مجتهدین که انجمن بودند، به اتفاق فتوایراندند که هر کس از جهاد با روسیان باز نشیند از اطاعت یزدان سر برتافته، متابعت شیطان کرده باشد.^{۲۲}

سوم. یکی از کسانی که تناقض موجود میان استبداد واقعی سلطان را با دعوی ارادت او نسبت به علما و روحانیون آشکار می‌سازد، مرحوم ملاحمد نراقی است؛ زیرا بعد از بازگشت وی به ایران در کاشان اقامت گزید. در این شهر حاکم ستمگری بود که به مردم ستم می‌کرد. وی عزم جزم کرد تا او را از شهر بیرون کند. در این خصوص **قصص العلما** چنین می‌نویسد: «گویند که در زمانی حاجی، حاکم ظالمی را از کاشان بیرون کرده بود و مکرر این قضیه اتفاق افتاد و سلطان حاجی را از کاشان احضار نمود و در مجلس با او تغییر نمود که شما در اوضاع سلطنت اخلال می‌نمایید و حاکم را اخراج می‌نمایید و سلطان به شدت متغیر شد که حاجی ملاحمد آستین بالا زد و هر دو دست به آسمان بلند کرد و چشم هایش پر از اشک شده و عرض کرد: بار خدایا این سلطان ظالم حاکمی ظالم بر مردم قرار داد من رفع ستم نمودم و این ظالم بر من متغیر است. چون خواست نفرین کند، فتحعلی شاه بی اختیار از جای برخاست و دست‌های حاجی را گرفت و به زیر آورد و در مقام معذرت برآمد.^{۲۳}

۲۰. سیف‌الامه، ص ۶۴.

۲۱. الگار، ص ۶۰ به بعد، ۱۳۵۶.

۲۲. لسان‌الملک، ج ۱، ص ۳۵۹، ۱۳۵۳.

۲۳. تنکابنی، ص ۱۳۰، ۱۳۹۶.

۲. اختلافات مذهبی و رواج مباحث جدلی

در این دوران آخرین مراحل مشاجره‌ای و جدلی بین اصولیین و اخباریین سپری می‌گردید. البته ملااحمد خود از اصولیین است؛ اما کم‌تر وارد معرکه جدل با اخباریین گردید؛ اگرچه اخباریین در مقابل مباحث اصولی او تاب مقاومت نداشته و ساکت می‌ماندند. از طرف دیگر نزاع و جمله مجتهدین و علما به صوفیه نیز به قوت در جریان بود و مسلک بهائیت نیز در حال جان گرفتن بود؛ همان‌گونه که فراماسونری در حال شکل گرفتن و بسط بود.^{۲۴} حمله و هجوم فرهنگی دوباره استعمار انگلیس از طریق پادریان شروع شده بود.^{۲۵}

فتحعلی شاه در خصومت با صوفیه آشکارا با علما همداستان بود؛ اما نقش او در مناظره میان اخباریین و اصولیین تا حدی دو پهلو بود.^{۲۶} اما در مقابله با پادریان فرنگی صراحت نداشت؛ چون شاه قاجار از روس‌ها بیمناک بود و برای این که بتواند با آن‌ها مقابله کند، در پی پشتیبان نیرومندی می‌گشت. با اتباع انگلیسی بسیار مدارا می‌کرد و برای جلوگیری از فعالیت مبلغان انگلیسی، اقدامی نمی‌ورزید؛ اما چون خود از شور و تعصب خالی نبود و همواره به دنبال اثبات دینداری و جلب نظر علما بود، علمای دینی را برمی‌انگیخت تا در مقام پاسخگویی برآیند.^{۲۷} حامد الگار بر این نظر است که تنها رساله‌ای که به دستور شاه نوشته شد، رساله حاج ملارضا همدانی است.^{۲۸} که چندان صحیح به نظر نمی‌رسد. مرحوم ملااحمد اگرچه سیف‌الامه را به نام شاه می‌نویسد، بنا به گزارش الذریعه براساس توصیه پدرش ملامهدی بوده است.^{۲۹} این گزارش نیز دقیق نمی‌باشد؛ زیرا اولاً تراقی در کتاب هیچ اشاره‌ای به این معنی ندارد، بلکه می‌نویسد «... [چون] خواطر همایون شاهنشاه اسلام پناه به رد آن کلمات راغب و مایل و علاوه بر آن اشاره لازم البشار... عباس میرزای قاجار [ولیعهد]... در این خصوص حاصل شد... [این کتاب را تألیف نمودم]».^{۳۰}

به هر حال آنچه در آن وضعیت تأسف انگیز اختلافات صوفیه، اخباریین، اصولیین و شیخیه بسیار حائز اهمیت و درسی برای بیگانگان امروز باید به حساب آید، این است که همه علمای اسلامی با تمام اختلافاتی که با یکدیگر دارند، در مقابله با ستیز فرهنگی همدست و هم‌داستان اند و از روحیه جدلی که بین خود کسب کرده‌اند، در این رویارویی بهره می‌گیرند؛ اگرچه اکثر آنان از عمق تهاجم فرهنگی آن روز غرب و پیوند تلاش مبلغین مسیحی با برنامه‌های استعماری اروپاییان به خصوص انگلیس کم‌تر اطلاع داشتند.

۳. تهاجم فرهنگی پادریان و مبارزه با اسلام

ملااحمد بارها از کلمه پادری یا پادریان نام می‌برد. در کتاب روضات الجنات در شرح حال ملااحمد به اشتباه به جای پادری، «قادری»^{۳۱} و در اعیان الشیعه، غادری^{۳۲} یاد شده است. در الذریعه «قادری» ثبت گردیده است^{۳۳} البته ممکن است اشتباه روضات الجنات و اعیان الشیعه در ثبت کلمه ناشی از سهو در حرف چینی باشد. به هر حال این نام نیز برگرفته از (Pater) لاتینی و (Father) انگلیسی است و نام کشیشان و مبلغان مسیحی در میان علمای دینی جهان اسلام می‌باشد.^{۳۴}

این گروه از قرن شانزدهم میلادی در پی باز شدن پای استعمار اروپاییان در سرزمین‌های اسلامی در جهان اسلام شناخته شده است.^{۳۵} پای آنان به دنبال آمد و شده‌های فرنگیان از زمان ترکمانان و خاصه از اوایل عهد صفوی به ایران باز شد.^{۳۶} بدون تردید انگیزه آنان از آمدن به بلاد اسلامی به خصوص ایران تنها هدف مذهبی و دینی و ترویج دین مسیح نبود، بلکه هدف اصلی آنان پیش برد مقاصد و اهداف استعماری اروپاییان به خصوص انگلیسی‌ها بود.^{۳۷}

سیاستمداران انگلیس به دنبال اهداف استعماری خود، دریافته بودند که کشور قدرتمند ایران در عهد صفوی با تکیه بر دین اسلام و در عهد قاجار قدرت روحانیت سدر راه نیل آنان به اهدافشان می‌باشد. خلاصه آنان دریافتند که «هیچ چیز به اندازه اسلام و تمامیتش و محتوایش، مانع نفوذ بیگانگان در کشورهای اسلامی نبوده است و این خطر را مسیحیان اروپا از خیلی جلوترها حس کرده بودند».^{۳۸} لذا برای درهم شکستن قدرت حکومت ایران در عهد صفوی و روحانیت در عهد قاجار و به طور کلی در انداختن دین اسلام به حیل‌های مختلفی از جمله ایجاد فتنه اختلاف و

۲۴. آیت، ص ۱۰۰، ۱۳۶۳؛ راثین: ۱۳۵۷.

۲۵. دائرةالمعارف، ج ۳، ص ۵۹۸؛ ۱۳۷۱.

۲۶. الگار، ص ۹۰، ۱۳۵۶.

۲۷. دائرةالمعارف، ج ۳، ص ۵۹۸، ۱۳۷۱.

۲۸. الگار، ص ۱۴۷، ۱۳۵۶.

۲۹. آغازبرگ، ج ۱۲، ص ۲۸۶؛ ۱۴۰۸.

۳۰. سیف‌الامه، ص ۴۱.

۳۱. خوانساری، ج ۱؛ ۱۴۱۱.

۳۲. امین، ج ۳، بی‌تا.

۳۳. آغازبرگ، ج ۱۲، ص ۲۸۶؛ ۱۴۰۸.

۳۴. دهخدا، ج ۴، ۱۳۷۳؛ معین، ج ۱؛ ۱۳۶۳.

۳۵. دائرةالمعارف، ج ۳، ص ۵۹۷؛ ۱۳۷۱.

۳۶. صفا، ج ۵، ص ۲۷۵؛ ۱۳۷۰.

۳۷. حائری، ۱۳۷۸؛ دائرةالمعارف، ج ۳، ص ۵۹۶؛ ۱۳۷۱.

۳۸. ولایتی، ص ۳۵؛ ۱۳۶۱.

به گریبان بود و شمال و جنوب کشور در معرض تجاوز بود، هنری مارتین با کمک و راهنمایی کمپانی هند شرقی برای اجرای برنامه های کارگردانان استعمار انگلیس وارد ایران شد.

یکی از افرادی که در آمدن هنری مارتین به ایران به وی یاری فراوان رساند، جان ملکم است. او دشمنی عمیق خود را با ایران و ایرانیان به خوبی در آثارش نشان داده است. ۴۲ مارتین در مقابل مساعدت ملکم علاوه بر مبارزه با اسلام برای وی در ایران به جاسوسی نیز پرداخت. مارتین بعد از ورود به ایران تحت حمایت سفیر انگلیس اوزلی قرار گرفت. اوزلی شخصی است که بیش ترین نقش را در آن دوران در پیشبرد مقاصد استعمار انگلیس و تاراج سرمایه های مادی و معنوی این مرز و بوم داشت. وی در همان زمان رهبری فراماسونری منطقه ایران را به دست گرفت. نیت شوم و ناپاک وی را می توان از نامه ای که او در سال ۱۲۳۹ قمری به لرد کاسلوی می نویسد دریافت. وی در فرازی از آن نامه می گوید: «باور صادقانه من آن است که اکنون که صرفاً ایمنی سرزمین های [تحت اشغال انگلیس] در هندوستان مورد توجه است، برگزیدن سیاست و گذاری ایران در ناتوانی و وحشیگری کنونیش از دنبال کردن برنامه ای ناسازگار با این سیاست بهتر است.» ۴۳ وی همراه با اوزلی در فاصله ای کوتاه بعد از حرکت از بمبئی در ۲۷ ذوالقعدة ۱۲۲۶ وارد شیراز شد. در تاریخ ۳۰ ژوئن ۱۸۱۱ میلادی یا ۱۲۲۶ قمری با یکدیگر ملاقات کردند و سپس برنامه خویش را از همان شیراز شروع نمود. مارتین در ایران به پادری شهرت یافت و برخی نوشته اند وی در ابتدا وانمود به اسلام کرد و خود را یوسف نامید. ۴۴ **قصص العلماء** می نویسد: «پادری با لباس مبدل چند سال در خدمت آخوند ملاعلی نوری تلمذ نمود. ۴۵ البته مطلب مزبور صحیح به نظر نمی رسد؛ زیرا مدت اقامت او را در ایران ۱۶ ماه گزارش کرده اند. ۴۶ علاوه بر این که وی بلافاصله در شیراز و سپس اصفهان و تهران با علمای شیعه به مناظره دینی و جدل پرداخت و بر ضد اسلام به سود مسیحیت تبلیغ نمود. ۴۷ و در پی سست

افروختن جنگ بین ایران و عثمانی، تشدید اختلاف شیعه و سنی، ایجاد فرق ساختگی چون بهائیت و بسط فرماسیونری در ایران و از همه مهم تر هجده فرهنگی در قالب ترویج دین مسیح به وسیله پادریان و مبلغان مسیحی و مبارزه علیه اسلام، متوسل شدند که خود نیاز به تحقیق و کتاب مستقلی دارد.

بنابراین پادریان نوعاً در خدمت استعمارگران اروپایی بودند و راه را برای دست اندازی استعمارگران غرب به سرزمین های آسیایی و آفریقایی هموار کردند؛ حتی آنان که نیت پاک داشتند و قصدشان به گمان خود هدایت مردم به راه راست و رستگار کردن ایشان بود، باز ابراز دسیسه استعمار بودند و در راه براندازی باورهای ملت ها همه ارزش هایشان را ویران می کردند و در نتیجه بسیاری از جوامع را از هم پاشانده و آن ها را یکسره در کام سودگران بورژوازی نوخاسته اروپا فرستادند. ۳۹ البته در ملل اسلامی به خاطر عظمت و نفوذ عمیق اسلام و همت علمای اسلام، همانند ملااحمد نراقی کم تر توفیق داشتند، و حتی اسلام و علمای شیعه تا این اندازه قدرت داشت که برخی از این پادریان را برخلاف مقصود آنان مستبصر نموده و به دین اسلام مشرف نماید. یکی از این افراد به نام علیقلی جدیدالاسلام است که ملااحمد نراقی در چند جا در کتاب سیف الامة از او یاد می کند. وی در زمان سلطان حسین صفوی خود یک پادری بود، کیش مسیحیت را رها نمود و به آیین اسلام درآمد و کتابی به نام **سیف المؤمنین فی قتال المشرکین** در رد یهودیان و مسیحیان نیز نوشت. ۴۰ رديه نویسی مانند **سیف الامة** توسط دانشمندان شیعی علیه تلاش پادریان در ایران موجب پایان دادن این نحوه از تهاجم به اسلام گردید و در اواخر قرن سیزدهم رديه نویسی پادریان علیه اسلام قطع شد؛ زیرا رديه برخی از بزرگان فقط دفاع نبود، بلکه خود تهاجم ویرانگر علیه آنان بود که امروزه می تواند در مبارزه با تهاجم فرهنگی غرب درس بزرگی برای ما باشد.

۴. پادری مارتین و تهاجم وی با اسلام

از جمله پادریان، جوانی جان به کف نهاده به نام هنری مارتین است که ملااحمد نراقی از وی به نام هنری مازین یاد می کند. ۴۱ نگاهی گذرا به زندگی وی و فعالیت و مقاصد او در ایران می تواند برای جوانان امروز ما درس بزرگی در شناخت ماهیت تهاجم فرهنگی غرب و دین ستیزی آنان و دشمن شناسی باشد و در این راستا بسیار عبرت آموزی باشد. درست در هنگامی که ایران در گرداب سیاست جهانی قدم گذاشته بود و با فقدان تجزیه و آگاهی لازم پیرامون سیاست و دیپلماسی اروپا با دولت های استعمارگر و فزونخواهی مانند انگلیس، روس و فرانسه دست

۳۹. دائرةالمعارف، ج ۳، ص ۵۹۶: ۱۳۷۱.

۴۰. همان، ص ۵۹۶.

۴۱. سیف الامة، ص ۴۰.

۴۲. حائری، ص ۵۱۶: ۱۳۷۸.

۴۳. همان، ص ۲۶۳: ۱۳۷۸.

۴۴. دنبلی، ص ۱۴۷: ۱۲۴۲.

۴۵. تنکابنی، ص ۱۲۹: ۱۳۹۶.

۴۶. حائری، ص ۵۱۰: ۱۳۷۸.

۴۷. همان، ص ۵۱۰ و الگار، ص ۱۴۵: ۱۳۵۶ و دائرةالمعارف، ج ۳، ص ۵۹۸:

۱۳۷۱.

نمودن و تردید در باور جوانان و مردم برآمد.

درباره ویژگی های شخصی و اخلاقی هنری مارتین به چند امر توجه شده است.

۱. او در کیش خود مردی پارسا و دلپاخته و فداکار بود.

۲. دانشی گسترده داشت.

۳. سخت کوش و پر کار بود.

۴. به جدل و بحث در هر جا و با هر کس سخت دلبستگی داشت.

وی برای بحث و جدل و پدید آوردن تردید فکری و عقیدتی در دیگران از جمله جوانان تازه کار و زود باور، زمان و مکان نمی شناخت. ۴۸ مارتین در طول اقامت یازده ماهه خود در شیراز علاوه بر مناظرات و مشاجرات با علما و اشخاص، ترجمه عهد جدید را به فارسی به انجام رساند و سپس راهی تهران شد تا با تقدیم آن نسخه به شاه آن را جاودانه سازد؛ اما در این کار موفق نشد و پس از مرگ وی اوزلی این کار را با مهارت دسیسه آمیزش انجام داد. هنری مارتین در روز دوم سپتامبر ۱۸۱۲ میلادی یا ۱۲۲۷ قمری از ایران به ترکیه رفت و در اکتبر همان سال درگذشت. ۴۹

وی علاوه بر ترجمه انجیل، «میزان الحق» را در اثبات حقانیت آیین مسیح و ابطال دین اسلام از خود بر جای گذاشت که واکنش بسیاری از علما را برانگیخت و به مقابله با آن پرداختند و به ردیه نویسی بر آن همت گماشتند که سیف الامه نراقی در عداد آن ها است. اگرچه هنری مارتین نتوانست تعداد زیادی از مردم را به دین مسیحیت درآورد، اما تأثیر خود را بر جای گذاشت و یک کنجکاوی بی مانند نسبت به انجیل در تبریز، شیراز، و جاهای دیگر در میان همگان برانگیخت. ۵۰ و هم رهبران دینی ایران و هم سیاستگذاران دربار قاجار را دچار بیم و نگرانی کرده بود. دل مشغولی علما و کثرت ردیه نویسی بر ضد هنری مارتین بعد از مرگ او که می توان به عنوان یک جنبش از آن یاد نمود و تا یک سده پس از آن ادامه یافت، صرفاً ناشی از فضای جدلی میان علما نبود، بلکه نشان از نفوذ گسترده نوشته ها و گفته های هنری مارتین در ایران دارد.

۵. مقابله ردیه نویسی علیه هنری مارتین

مشاجرات جسورانه مارتین علیه آیین اسلام به خصوص نفی رسالت خاتم الانبیاء (ص) و آسمانی و وحیانی بودن قرآن از همان ابتدا حساسیت و واکنش علما را به همراه داشت. بعد از مرگ وی ردیه نویسی در پاسخ به نوشته ها و کتاب میزان الحق او شروع شد. برخی از کسانی که دست به قلم برده و در رد کتاب مارتین نگاشته اند، عبارتند از:

میرزا عیسی خان قائم مقام (م ۱۲۳۹)، میرزا ابراهیم و آقا اکبر در شیراز؛ میرزا عیسی قائم مقام فراهانی (م ۱۳۴۸) در کتابی به نام اثبات نبوت خاصه؛ آقا محمدرضا همدانی در کتابی به نام مفتاح النبوه؛ ملاعلی نوری (م ۱۲۴۶) (وی پادری را جاهل و عوام فریب توصیف می کند)؛ سید محمدحسین ملقب به سلطان العلما (م ۱۲۳۳)، وی در ردیه خود مارتین را به داشتن شهوت نفسانی و عناد و لجاج متهم می نماید؛ ملاعلی اکبر ازه ای (وفات ۱۲۳۲ق)؛ محمدکریم خان قاجار کرمانی، پیشوای فرقه شیخیه کرمان (م ۱۲۸۸ق)؛ نصره الدین میرزا ابوالقاسم گیلانی، معروف به میرزای قمی (م ۱۲۳۱ق)؛ زین الدین محمد حسین خوانساری، ملقب به حسینقلی شاه (م ۱۲۳۴ق). ۵۱

صاحب **قصص العلما** در این خصوص متذکر می شود: «در میان اجوبه، نهایت سه جواب در مقام صواب و با دقت برآمدند: یکی کتاب حاجی ملارضا همدانی که مسمی به مفتاح النبوه است و در ایمان و کتب انبیای سلف را جمع نموده و دیگر کتاب آخوند ملاعلی نوری که مسمی به حجة الاسلام است و در آن کتاب به قواعد عقلیه، رفع شبهات و اثبات حقیقت خاتم الانبیا اشاره کرده و مدت شش ماه درس را تعطیل کرده و شبهات پادری را عنوان کرده و کتاب را با فصاحت و بلاغت و مسجع و مقضی و منشیانه نوشته است ... سوم کتاب حاجی ملاحمد نراقی که مسمی به سیف الامه است ...» ۵۲

متأسفانه برخی از کسانی که در صدد مشاجره و ردیه نویسی علیه مارتین برآمدند، از دانش و تسلط لازم برخوردار نبودند که این امر موجب گستاخی هرچه بیش تر هنری مارتین در زمان حیاتش و سوءاستفاده هم آویان مارتین بعد از مرگ او در غرب گردید. حدود ۱۲ سال بعد از مارتین یکی از استادان دانشگاه کیمبرلیج به نام لی به تألیفی در رد اسلام دست زد و به این منظور از میانه ردیه ها علیه مارتین تنها کتاب هایی را برای ترجمه به انگلیس و رد بر آن برگزید که به عنوان نوشته های نارسا و ناپسندیده شناخته شده بود. لی با سرافرازی فراوانی کتاب خود را کوششی در راه آشکار کردن و دروغ انگاشتن دیدگاه های مذهبی مسلمانان ایران می دانست. ۵۳

۴۸. اردلی، ص ۱۱۱ و ۱۰۶ تا ۱۱۱: ۱۳۴۱.

۴۹. حاتری، ص ۵۲۶: ۱۳۷۸.

۵۰. همان، ص ۵۲۸.

۵۱. خوانساری: ۱۴۱۱، حاتری: ۱۳۷۸؛ دائرةالمعارف، ج ۳: ۱۳۷۱.

۵۲. تنکابنی: ۱۳۹۶.

۵۳. حاتری، ص ۵۳۵: ۱۳۷۸.

۶. مقابله ملا احمد نراقی با هنری مارتین

نراقی که از مجتهدان پر آوازه معاصر مارتین است با تألیف سیف‌الامه در جرگه رده نویسان درآمد. کتاب او از جمله کتاب‌های مشهور بود که مورد توجه قرار گرفت و خصوصیات منحصر به فردی داشت که در سایر رده‌ها به چشم نمی‌خورد. وی در این کتاب سخنان هنری مارتین را سست بنیان و سزاوار خاموشی و سکوت می‌داند و در نظر اهل دانش چون تار عنکبوت و در نزد اصحاب بینش، جواب آن‌ها را سزاوار خاموشی و سکوت تلقی می‌کند و می‌گوید: «لیکن چون محتمل بود که تجافی از رد آن، موجب شبهه عوام شود... و خواطر خطیر همایون شاهنشاه اسلام پناه به رد آن کلمات، راغب و مایل و علاوه بر آن اشاره لازم البشار... عباس میرزای قاجار در این خصوص حاصل شد، این بی‌بضاعت [به این کار اقدام کرد].»^{۵۴} وی در لابه لای کتاب، هنری مارتین را بی‌اطلاع و عنود دانسته و وی را مورد نکوهش قرار داده و تحقیر می‌کند. سیف‌الامه به خوبی نشان می‌دهد که ملا احمد نراقی صلاحیت لازم را از حیث آگاهی و تسلط کافی از جهات متعددی برای رد و پاسخگویی به شبهات هنری مارتین داشته است، لذا اثر وی در میان تمام تلاش‌های علما در یک قرن در این جهت درخشنده تر است.

ج. ویژگی سیف‌الامه

نکته بسیار مهم در اکثر و بلکه تمامی رده‌ها و تلاش‌های قلمی که در دفع شبهات هنری مارتین در آن دوران به قلم درآمد، حاکی از یک غفلت بزرگ و بنیادی است. غفلت از پیوند تنگاتنگ آیین مسیحیت و تبلیغ ستیزه جویانه پادریان با برنامه‌های استعماری انگلیس و اروپاییان و نفوذ سیاسی برای تسلط و غارت ملل اسلامی بود. همه نوشته‌ها صرفاً در چارچوب دفاع از حریم دین اسلام و اثبات نبوت خاصه بود و مقابله اساسی با هدف اساسی و زیرین استعمار در این کتاب‌ها به چشم نمی‌خورد. تنها مرحوم ملا احمد نراقی است که در خلال کلمات او با دیدی وسیع تر به مطلب و تهاجم نگریسته و به مقابله و تخطئه با غرب آن روز می‌پردازد. در هنگامی که هنوز موج غربی شدن و غرب‌گرایی برنخاسته بود، بسیاری از سنت‌های غریبان و شیوه زندگی ایشان و به طور کلی خوی و خلق و ویژگی‌های اهل فرهنگ زمان خود را تقبیح می‌کند و زشتی آن را به رخ هنری مارتین فرنگی می‌کشد و وی و غرب را تحقیر می‌نماید و می‌گوید: «زنان یکدیگر را بر هم مباح نمودند... و شراب خوردن و گوشت خوک خوردن و استنجا نکردن و غسل نکردن و دارو نکشیدن و ناخن و شارب نگرفتن و هیچ چیز را حرام

ندانستن و هر حرام گوشتی را از قبیل گوشت خوک و وزغ و لاک‌پشت و مارآبی و سگ‌آبی و غیره را حلال دانستن و زنان یکدیگر را بوسیدن و مباشرت کردن و بت‌های چوبی و سنگی و طلا و نقره و غیره این‌ها را به شکل صلیب با خود داشتن و در کلیساها در برابر آن سجده کردن و استفاده نمودن و غیر این‌ها، از سنت‌های مؤکد ایشان قرار دادن چنانچه امروزه همه این‌ها در میان نصاری خصوص اهل فرنگ و طایفه روس شایع و متداول است.»^{۵۵}

اگرچه روی سخن در کتاب سیف‌الامه، مردم عادی و عوام‌الاناس می‌باشد و نه علما، اما سیف‌الامه کتابی علمی و دارای عمق است و از پشتوانه تحقیقی بسیار ژرفی برخوردار می‌باشد و به راستی می‌توان به عنوان یکی از منابع کلامی در نبوت عامه و خاصه و دین‌شناسی تطبیقی تلقی نمود و از منابع مهم پژوهش‌های کلامی و دین‌شناسی تطبیقی به حساب آورد.

همچنان که خواهد آمد، سیف‌الامه فقط به رد شبهات هنری مارتین، نپرداخته بلکه مباحث برهانی و عقلی در موضوع نبوت عامه و خاصه نیز طرح شده است و کثرت موضوعات مطرح شده در آن به حدی است که می‌توان آن را دایره‌المعارفی در بحث‌های کلامی اعجاز قرآن، نبوت خاصه و کتب آسمانی دانست.

روش کتاب سیف‌الامه جدلی است؛ به خصوص در باب سوم که به شبهات پادری نصرانی می‌پردازد، اما همچنان که خود نراقی اشاره می‌کند، براهین عقلی در سراسر کتاب به چشم می‌خورد. نراقی در انگیزه و هدف خود از تألیف سیف‌الامه می‌نویسد «مقصود ما در این کتاب الزام و اسکات خصم نصرانی است و تمسک به مسلمانات او ما را کافی است، اگرچه با وجود براهین، آیات، اخبار، قرائن، امارات و حالات حاصله از برای خود در محافل و خلوات از توسلات و استشفاعات به سر حد قطع و ظهور بل اظهر من النور علی‌الطور رسیده ولیکن تأکیداً للمطلوب با مسلمانات خصم اشاره به بعضی براهین منضمه می‌رود تا بالمره از قلوب صافی‌ه رفع ریب و شک شود. به این سبب در فواید آتیه اشاره به بیان بعضی مطالب خصم که آن‌ها را مسلم دارد، می‌شود.»^{۵۶}

نگارش کتاب با توجه به بازگشت ادبی عصر قاجار، به نثر ساده فارسی است.^{۵۷} البته نراقی از شعر و کنایات، در مذمت پادری و اهل فرنگ بهره جسته است.

قسمت عمده سیف‌الامه را می‌توان شرح و تفسیر پادری از

۵۴. سیف‌الامه، ص ۴۰.

۵۵. سیف‌الامه، ص ۸۴.

۵۶. همان، ص ۴۵.

۵۷. بهار، ج ۲، ص ۳۰۹: ۱۳۳۷.

اثبات نبوت پیامبر اسلام می باشد و باب سوم به نقل شبهات پادری نصرانی و پاسخ و دفع آن ها اختصاص داده شده است.

۱. باب اول

نراقی باب اول را در بیان شش فایده مرتب کرده که در حقیقت مباحثی ناب در نبوت عامه می باشد. وی در فایده اول به مقامات و درجات انبیا منی پردازد و با تمسک به حدیث «ان لی مع الله حالات لایسعها ملک مقرب ولا نبی مرسل» می نویسد: «هر نبی را مقامات و حالات و درجاتی است که پیامبران در رتبه پایین تر بدان نمی رسند و برای بسیاری از مردم و حتی اولی الاحلام درجات انبیا قابل درک نمی باشد.»^{۶۴} وی معتقد است مرتبه رفیع و ولایت و خلافت و تخلق به اخلاق حضرت رب العزه از جمله مراتب انبیا است. بر احاد هر امت درک و اثبات جمیع درجات و مقامات پیامبر خود لازم نمی باشد. زیرا علاوه بر این که تکلیف ما لایطاق نسبت به اکثر مکلفین است، دلیلی بر چنین تکلیفی نیز وجود ندارد. آنچه بر هر فرد امت یک پیامبر واجب بوده و می باشد، درک و اثبات مرتبه و الای مطاعیت پیامبر امت خویش است و بعد از مرحله مطاعیت اثبات و پذیرش مرتبه خاتمیت و شفاعت است که محل نزاع مسلمین و سایر فرق دینی بوده و پادری نصرانی در مقام انکار این مقام برای محمد بن عبدالله (ص) برآمده است.

در فایده دوم بیان می کند که چگونه حاکم در بحث قبل و دافع نزاع حکم عقل است. در فایده سوم بین متدینین به ادیان الهی و ملحدین بی دین تفاوت می گذارد و معتقد است در برخورد با گروه اول باید به شکل مناظره و جدل برخورد نمود و از مسلمات و مقبولات در مرام آن ها بهره جست، لذا خود ایشان در سراسر کتاب به انجیل و تورات تمسک بسته و علیه باورهای پادری و آیین پادریان احتجاج می نماید، اما در مواجهه با گروه دوم نراقی اظهار می دارد که فقط باید برهان و مقدمات عقلیه یا امور حسی، عادی، تجربی یا تقلیات و کشفیات به بحث و گفتگو و اقامه برهان پرداخت.^{۶۵}

در فایده چهارم نراقی ابتدا به مقدمه ای در باب انسان شناسی

کتاب آسمانی تلقی نمود. نراقی در قسمت عمده ای از کتاب عین عبارات عبری تورات و انجیل را نقل می کند و ترجمه آن را به فارسی می آورد و سپس به تفسیر و شرح آن با سلک عقلی و تطبیقی می پردازد. وی برای اطمینان بیش تر شرح و تفسیر تورات یا انجیل و اطمینان از فهم خود از گفتگو و مباحثه علمی با دانشمندان یهودی و مسیحی درج نمی ورزد. وی در این خصوص می نویسد «حقیر خود همه آن کتب را جمع نموده و کتب معتبره لغات ایشان را نیز جمع و جمعی از اخبار اهل ذمه را نیز احضار و در تصحیح و تفسیر آن ها با ایشان گفتگو نموده آنچه همه بر آن اتفاق نموده به ضمیمه آنچه از انجیل اربعه و سایر کتب نصارا استخراج کردیم، بر آن در این کتاب ثبت نمودیم.» (ص ۸۸)

نراقی درباره علت نامگذاری کتاب به سیف الامه و برهان المله می نویسد: «چون هریک از آیات سماویه مسطوره در این کتاب مستطاب از برای این امت مرحومه در معرکه مجادله مخالفین شمشیری است قاطع و هر یک از ادله عقلیه مذکوره در این صحیفه شریفة المبدء و المآب از برای اثبات حقیقت این ملت بیضاء حنیفه برهانی است واضح و ساطع آن را به سیف الامه و برهان المله مسمی نمود ...»^{۵۸}

نراقی در سه موضع کتاب از محمدباقر مجلسی به عنوان فاضل محدث، ملا محمدباقر مجلسی یاد می کند.^{۵۹} این نحوه یاد کردن نراقی مورد انتقاد برخی از نویسندگان قرار گرفته و آن را نشانه توغل نراقی در پیچ و خم مباحث علم اصول پنداشته اند.^{۶۰} مرحوم تنکابنی نیز از این تعبیر ملا احمد نراقی ناخشنود است. وی می نویسد «آخوند ملا محمدباقر در السنه علما لاحقین معبر به علامه مجلسی است و عجب از حاجی ملا احمد نراقی است که در کتب خود تعبیر از آن جناب به محدث مجلسی نموده است و این عبارت در نظر این احقر بسیار ناپسند آمد، چه محدث عرفاً آن را می گویند که حدیث دان باشد ...»^{۶۱} این انتقاد و خورده گیری بر ملا احمد نراقی وارد نیست؛ زیرا تعبیر مزبور در سیف الامه حاکی از عدم التفات ملا احمد نراقی به مقام و الای مجلسی نیست، زیرا از تبعی که در سایر آثار نراقی به عمل آمد، ایشان در چندین اثر خود از مجلسی با تعبیر علامه مجلسی یاد می کند؛ مثلاً در هوائد الایام از مجلسی با تعبیر ولد العلامه مروج الشیعه المحدث مولانا محمدباقر المجلسی^{۶۲} و در چند جای مستند الشیعه، با تعبیر علامه از وی یاد می کند.^{۶۳}

د. محتوی کتاب سیف الامه

کتاب در سه باب تألیف شده است: باب نخست در مطالبی می باشد که نراقی پیشاپیش دانستن آن ها را لازم و مفید می داند. باب دوم در

۵۸. سیف الامه، ص ۴۱.

۵۹. همان، ص ۱۲۲ و ۱۲۹.

۶۰. دوانی، ص ۲۵۴؛ ۱۳۷۰.

۶۱. تنکابنی، ص ۲۰۴؛ ۱۳۹۶.

۶۲. هوائد، ص ۲۴۹.

۶۳. نراقی، ج ۱۹، ص ۲۴۵ و ج ۱۵، ص ۴۱۶.

۶۴. سیف الامه، ص ۴۱.

۶۵. همان، ص ۲۴.

اعتقاد خودداری می کند و فقط به نقد اجماع مرکب که مقدمه دلیل وجوب لطف یا وجوب وجود صاحب مرتبه استکفاء در هر عصر است، پرداخته و مورد اشکال قرار می دهد.^{۶۸}

۲. باب دوم

نراقی باب دوم را به نبوت خاصه اختصاص داده و مجموعاً چهار دلیل عمده که خود مشتمل بر دلایل متعددی است، اقامه می نماید.

۳. باب سوم

نراقی در باب سوم به مقصود اصلی کتاب یعنی رد شبهات هنری مارتین در کتاب میزان الحق وی می پردازد و کل محتوای آن کتاب را در قالب ۵۷ شبهه در آورده و به رد آن ها به شکل جدلی و برهانی می پردازد که خصم چاره ای از سکوت و قبول و پذیرش رسوایی ندارد. در لابه لای رد شبهات پادزی به موضوعات متعدد کلامی و تاریخی و دین شناسی تطبیقی پرداخته که جدای از رد شبهات پادری برای اهل علم و تحقیق در موضوعات دین شناسی بسیار غنیمت می باشد.

به طور کلی شبهات هنری مارتین در کتاب میزان الحق بر اساس آنچه نراقی در سیف الامه گزارش نموده در چهار محور اساسی است:

۱. شبهه در دلایل نبوت رسول اکرم (ص) و به طور عمده شبهه در قرآن و وجوه مختلف اعجاز آن کتاب آسمانی و رد و حیاتی بودن آن.

۲. شبهه در اصل نبوت رسول اکرم (ص).

۳. شبهه در تعالیم اسلامی و اصل شریعت اسلام.

۴. شبهه از طریق مقارنه و مقایسه شریعت عیسی با اسلام و تلاش برای برتر جلوه دادن آن دین بر سایر ادیان علی الخصوص آیین اسلام.

مجموعه ۵۷ مورد شبهه پادری در چهار محور کلی فوق می باشد که ملاحظه نراقی با استدلال های برهانی و جدلی بسیار استوار و محکم همه را رد می کند و اکثر شبهات را در فرض صدق به خود آیین مسیح و یهود باز می گرداند.

به نظر می رسد اگر پادریان دست از رده نویسی بر آیین اسلام کشیدند، یکی از دلایل مهم آن مواجعه با رده های چون سیف الامه نراقی بوده است؛ زیرا در این نوع تلاش های عالمانه نه تنها شبهات از دامن اسلام و رسالت نبی اکرم (ص) زدوده شده، بلکه شبهات جدی و ویرانگری بر دامن آیین مسیح

۶۶. همان، ص ۵۰.

۶۷. همان، ص ۵۳.

۶۸. همان، ص ۵۴.

از بعد اجتماعی می پردازد و نظریات گوناگون جامعه شناسی در پیدایش اجتماع بشری مطرح می کند و خود بر این نظریه است که ریشه اجتماع بشری در ضرورت بقای نوع یا جریان عاده الله بر اجتماعی بودن نهفته نیست، بلکه ناشی از مدنی الطبع بودن انسان است.

بعد از این مقدمه بر ضرورت تبوت و وجود رهبری الهی، وجود تکالیف الهی بر بنی نوع بشر و ضرورت وجوب نصب رئیس و سرپرست از جانب خداوند علی رغم احاطه کامله خداوند بر بشر و عدم کفایت رئیس و زعیم بشری استدلال می نماید. در واقع بحث اخیر می تواند در راستای ارتباط حکومت و دین به عنوان نظریه نراقی مورد تحقیق قرار گیرد.^{۶۶}

در فایده پنجم بحث مبسوطی پیرامون معجزه و ضرورت آن به عنوان نشانه پیامبری مطرح می نماید. به گفته او، با هر پیامبری باید نشانه و علامتی فراگیر و همه فهم باشد و شناخت پیامبری پیامبر، از طریق کشف و شهود یا ملاحظه علوم دقیق یا مشاهده صفات و اخلاق - به جهت اختصاص داشتن آن راه ها به برخی از اشخاص - کفایت نمی کند و این امر موضوعی است که در تورات نیز بدان تصریح شده است. بنابراین همراهی معجزه با پیامبران الهی یک ضرورت و از سنن الهی بوده است.

سپس وارد بحث مبسوطی در ماهیت و حقیقت معجزه می شود و تفاوت آن را با سحر، شعبده، تسخیرات، معالجات قویه، صنایع عجیبه بیان می کند و وجوه تفاوتی را که توسط علما ابراز شده، به نقد می کشد و به کلی رد می کند.

نراقی در تفاوت معجزه با سایر امور، وجوهی را به عنوان نظریه خود ابراز می نماید و ظاهراً برخی از آن ها برای اولین بار توسط خود وی طرح گردیده است. آن وجوه به طور اختصار عبارتند از:

۱. مقارنه معجزه با دعوی نبوت که جزء حقیقت معجزه است.
۲. خرق عادت و موجب شگفتی باشد و این جزء حقیقت آن می باشد.

۳. مطابق مطلوب خصم باشد و این داخل در حقیقت معجزه نیست، بلکه از شرایط اعجاز می باشد.

۴. بر سببی ظاهری مترتب نباشد.

نراقی به بیان کرامت و ارهاص نیز می پردازد و وجه امتیاز معجزه از آن دو نیز ابراز می کند و بالاخره تعریفی از معجزه را به دست می دهد: «المعجزه الخارق للعاده المقروق بالتحدی المطابق للدعوی والمطلوب الخصم الغير المقصور علی واحد او امور خاصه ولا المترتب علی سبب ظاهر».^{۶۷}

فایده ششم در واقع مقدمه ای بر نبوت خاصه است. نراقی معتقد است که اکثر ادله فرق محقه برای اثبات نبوت خاصه دارای ایراد و اشکال است، اما از ورود تفصیلی به بیان این

۱۲. اثبات تحریف تورات و اناجیل. ۸۲
۱۳. جمع آوری اختلاف اناجیل اربعه.
۱۴. بررسی و شمارش جنگ های انبیا گذشته و رد جنگ طلبی اسلام و نشر آن در پرتو شمشیر. ۸۳
۱۵. بحثی در تعدد زوجات پیامبر (ص) و تحقیقی پیرامون زینب بنت جحش. ۸۴
۱۶. فلسفه تکرار در قرآن. ۸۵
۱۷. بررسی نسخ در تورات و انجیل. ۸۶
۱۸. سخنی در توبه. ۸۷
۱۹. بحثی درباره ولادت و نبوت عیسی (ع) و قصاص او جهت کفاره گناهان عیسویان. ۸۸
۲۰. بررسی موارد تهافت انجیل و تورات. ۸۹
۲۱. عبادات امروز آیین یهود. ۹۰
۲۲. تحقیقی در اصول و فروع دین مسیحیت. ۹۱
۲۳. مختصری از سنن و احکام کیش مسیحیت. ۹۲
۲۴. رد خاتمیت عیسی (ع) و اثبات خاتمیت رسول اکرم (ص).



۶۹. همان، ص ۱۵۲.
۷۰. همان، ص ۱۵۵.
۷۱. همان، ص ۱۵۷.
۷۲. همان، ص ۱۵۹.
۷۳. طوسی، ص ۴۴۶؛ ۱۳۵۸؛ لاهیجی، ص ۲۴۹، بی تا؛ حلی، ص ۳۲۴؛ ۱۳۱۳.
۷۴. سیف الامه، ص ۱۶۶.
۷۵. همان، ص ۱۸۸.
۷۶. همان، ص ۱۹۷.
۷۷. همان، ص ۲۰۰.
۷۸. همان، ص ۲۰۵.
۷۹. همان، ص ۲۱۸.
۸۰. همان، ص ۲۲۳.
۸۱. خوئی: ۱۳۹۴.
۸۲. همان، ص ۲۳۶.
۸۳. همان، ص ۲۵۳.
۸۴. همان، ص ۲۵۹.
۸۵. همان، ص ۲۷۰.
۸۶. همان، ص ۲۷۸.
۸۷. همان، ص ۲۸۳.
۸۸. همان، ص ۲۸۷.
۸۹. همان، ص ۳۱۲.
۹۰. همان، ص ۳۱۲.
۹۱. همان، ص ۳۱۳.
۹۲. همان، ص ۳۱۷.

- تحریف شده و مسیح ساختگی فرنگیان و کیش یهود می نشانند و کیان آن دو آیین را به مخاطره می انداخته، لذا پادریان از ترس فراگیر شدن آن نوع ردیه ها در فرنگ در پایان سده سیزده، دست از ردیه نویسی برداشته اند؛ اگر چه آیات شیطانی سلمان رشدی را باید در راستای همان دساتس پادریان آن قرن ارزیابی نمود.
- چنان که اشاره شد نراقی در این باب از کتاب سیف الامه در ضمن جواب پادری نصرانی به تحقیق و بررسی موضوعات مختلفی دست می زند که برای اهل علم و پژوهش بسیار مغتنم است. ما به طور مختصر عناوین آن موضوعات را ذکر می کنیم.
۱. خلاصه تاریخ آغاز ترجمه در اسلام. ۶۹
 ۲. بررسی مقایسه ای معجزات حضرت موسی و عیسی (ع) با رسول اسلام. ۷۰
 ۳. بررسی اقسام اهل کتاب در برخورد با رسالت رسول اکرم (ص) در عصر بعثت. ۷۱
 ۴. بحثی در امی بودن پیامبر. ایشان معانی مختلف امی بودن رسول اکرم (ص) را که در قرآن آمده طرح و رد می کند و نظریه خود که متخذ از برخی روایات است، اعلام می کند. نراقی معتقد است یکی از اسامی یا اوصاف مکه ام است و منظور از امی بودن پیامبر همان مکی بودن است و نه معانی دیگر که برخی ذکر کرده اند. ۷۲
 ۵. بررسی دلیل لطف. و جواب لطف یکی از موضوعات کلامی است که اکثر متکلمین شیعی آن را تحریر و اثبات کرده اند. ۷۳
 - اما مرحوم نراقی آن را ناتمام می داند و در مقدمات آن خدشه می نماید و بر آن تأکید نمی کند. ۷۴
 ۶. بررسی اخبار غیبی در قرآن و نهج البلاغه. مرحوم نراقی اقسام آیات قرآن را که در اخبار آینده و یا غیب و باطن است، شمارش و تفسیر نموده است و سپس سراسر **نهج البلاغه** را کاوش کرده و اخبار غیبی و احوال آینده که از علی (ع) در آن آمده ذکر می کند و به ترجمه و تطبیق می پردازد که آن را می توان کتابی مستقل تلقی نمود. ۷۵
 ۷. بررسی تواتر یا عدم تواتر تورات و انجیل و دفاع از تواتر قرآن. ۷۶
 ۸. بحثی تاریخی درباره بخت النصر و اعمال او. ۷۷
 ۹. بحثی درباره حوارین. ۷۸
 ۱۰. بررسی کلی اقسام معجزه پیامبر. ۷۹
 ۱۱. بحثی در جمع آوری قرآن. ۸۰
- نراقی برخلاف برخی از دانشمندان علوم قرآنی^{۸۱} معتقد است که قرآن در زمان پیامبر (ص) جمع آوری نشد، اما همه در نزد علی (ع) وجود داشت.